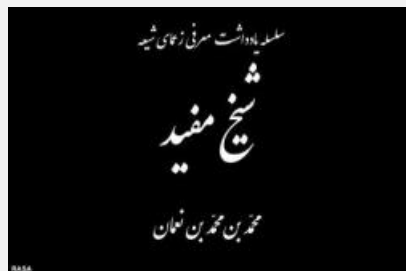


شیخ مفید، نابغه فقه و حدیث

شیخ مفید نابغه فقه و حدیث شیعه، شخصیتی بود که با منطق‌های بی‌اساس علمای اشعری که اعتقاد به تبعیت دین فقط از قران و سنت بودند و دفاع از خلفایی که فسق آنان بر همه نمایان بود به جنگ و ستیز برخاسته و در سویی دیگر با معتزله‌ای که عقل را اساس نظریات و استدلال‌های خود قرار داده بودند مقابله کرد.



شیخ مفید نابغه فقه و حدیث شیعه، شخصیتی بود که با منطق‌های بی‌اساس علمای اشعری که اعتقاد به تبعیت دین فقط از قران و سنت بودند و دفاع از خلفایی که فسق آنان بر همه نمایان بود به جنگ و ستیز برخاسته و در سویی دیگر با معتزله‌ای که عقل را اساس نظریات و استدلال‌های خود قرار داده بودند مقابله کرد.

به گزارش خبرگزاری رسا، در روزگاری که بیشتر مردم عادی در زیر سلطه قدرت اشعری به تبعیت از قانون و تقلید محکوم بودند، وی با شجاعت و آزادی فوق العاده‌ای به عقل اعتماد کرده و حدیث و فکر و استقلال نظر رویه تصمیمات و مسلک خویش قرار داد. او منطق و استدلال را با استعانت به احادیث موثق در هم ترکیب نمود و طریقت جسورانه‌ای را برای آیندگان پس از خود باز نمود.

محمد بن محمد نعمان ملقب به شیخ مفید، فقیه، متکلم و از علمای برجسته بود که پدر او شخصی پارسا و به تعلیم و تربیت اشتغال داشت و به این سبب محمد بن محمد نعمان به ابن المعلم نیز شهرت یافت.

شیخ مفید در ذیقعدہ سال 336 قمری در روزگاری که حکمرانان بنی امیه و بنی عباس از هر گونه ظلمی بر دوستداران اهل بیت (ع) دریغ نمی کردند، در عکبرای که شمال بغداد واقع شده چشم به جهان گشود. (1)

شیخ مفید به سبب هوش سرشار که داشت، به همراه پدر از عکبرای به بغداد عزیمت کرد. او علاقه وافر و شور فراوان برای مطالعه از خود نشان می داد و در سن پنج سالگی برای او از ابن ابی الیاس اجازه روایت گرفته اند. (2)

وی در حالی که هفت سال و چند ماه داشت، از ابن سماک نقل روایت کرده است. (3) در سن دوازده سالگی فرزانه‌ای تلاشگر و پخته گردید و از برخی محدثان روایت اخذ نمود (4) و از استاد خویش شیخ صدوق در قبل سن بیست سالگی حدیث شنیده است. (5)

ابویعلی جعفری که داماد شیخ مفید است می گوید: «شیخ مفید شب‌ها مختصری می خوابید و بقیه شب را به نماز یا مطالعه یا تدریس یا تلاوت قرآن مجید می گذرانید.» (6)

شرایط اجتماعی زندگی در سده چهارم

در سال 334 بود که احمد معزالدوله به بغداد وارد و شاخه‌ای از حکومت آل بویه را تأسیس کرد. شیعیان توانستند در پناه وی از آزادی به وجود آمده استفاده کرده و عقاید مذهب تشیع را منتشر کنند.

در آن زمان بغداد به عرصه رقابت شیعیان و اهل تسنن تبدیل شده بود و باب مناظرات و بحث‌های دینی و حتی درگیری میان طرفداران به اوج رسیده بود. شیعیان بغداد با اهل تسنن تعاملی نسبی داشتند؛ ولی با این حال، به علت تحریک سنی مذهب‌ان توسط دستگاه خلافت عباسی، گاهی بین شیعه و سنی درگیری‌هایی پیش می‌آمد؛ به گونه‌ای که در برخی از این درگیری‌ها، عمدتاً بر اساس گرایش‌های عقیدتی، تعدادی از دو گروه کشته یا زخمی می‌شدند و حتی دو مورد از این درگیری‌ها منجر به تبعید شیخ مفید به خارج از بغداد گردید. شیخ مفید در عصر خود از مقام و جایگاه و منزلتی والا برخوردار بود؛ به حدی که در هنگام بیماری عضدالدوله به بستر او می‌آمد و از وی عیادت می‌کرد.

سال 352 نخستین عزاداری علنی شیعیان در عاشورا بر پا شد و در پی آن جشن غدیر روحی تازه در کالبد شیفتگان تشیع دمید.

او با ذهنی سرشار از ابتکارات که با منطق‌های بی‌اساس علمای اشعری که اعتقاد به تبعیت دین فقط از قران و سنت بودند و دفاع از خلفایی که فسق آنان بر همه نمایان بود به جنگ و ستیز برخاست و در سویی دیگر با معتزله‌ای که عقل را اساس نظریات و استدلال‌های خود قرار داده بودند مقابله کرد. (7)

شیخ مفید علم گذشتگان را در خود مجتمع گرداند و به واسطه چنین شخصیت چند بعدی توانست حوزه‌های علمیه شیعیان را بدان گونه که قرن‌ها پس از او استمرار دارد تبدیل نماید، که به موجب تلاش‌های او، علوم مختلف از جمله فقه، کلام، اصول، ادب، حدیث و رجال در کنار هم و مکمل یکدیگر به تدریس و تحقیق درآمد که با ایجاد این رویه جدید در حوزه‌های علمیه، علمایی بزرگ و فرهیخته همچون سید رضی در اوج و در نقطه‌ای بس والا و شیخ الطائفه محمد بن الحسن الطوسی پدید آمدند. این رنسانس علمی که در قرن چهارم که فتح الفتوح تاریخی شیعه در این قرن صورت پذیرفت، توسط مردی اندیشمند به صورت دستور العملی جامع از معارف اسلامی تدوین و به مذهب تشیع هدیه شد.

شیخ مفید قریب به 50 سال پرچمدار عرصه‌های علمی، فکری و فرهنگی مسلمین گشت، تا سرانجام دوست و دشمن، زبان به تمجید از او گشودند. شیخ در طول عمر با برکت خود به آنجا رسید که صحیفه‌های سبز حضرت مهدی (عج) به افتخار او صادر شد و حضرت ولی عصر (ع) وی را برادر گرامی و دوست رشید خود خواند. این مسأله در قسمتی از نامه نخست امام (عج) به شیخ مفید و علاقه وافر ایشان به این شخصیت بزرگ شیعیان بسیار نمایان است:

برادر با ایمان و دوست رشید ما!

نامه‌ای به برادر با ایمان و دوست رشید ما، ابوعبدالله محمد بن نعمان - شیخ مفید - که خداوند عزت وی را مستدام بدارد!

سلام خداوند بر تو ای کسی که در دوستی ما به زیور اخلاص آراسته‌ای و در اعتقاد و ایمان به ما دارای امتیاز مخصوص هستی.

ما در مورد نعمت وجود تو خداوند یکتا را سپاسگزاریم و از پیشگاه مقدس خداوندی استدعا می‌کنیم که بر سید و مولای حضرت محمد

بن عبدالله(ص) و خاندان او درود و صلوات پیاپی و بی‌نهایت خویش را نازل فرماید.

از آنجا که در راه یاری حق و بیان سخنان و نصایح ما صادقانه کوشیدی، خداوند این افتخار را به شما ارزانی داشته و به ما اجازه فرموده است که با شما مکاتبه کنیم.

شما مکلف هستید که اوامر و دستورات ما را به دوستان ما برسانی؛ خداوند عزت و توفیق اطاعتش را به آنان مرحمت فرماید و مهمات آنان را کفایت کرده، در پناه لطف خویش محفوظشان دارد!

با یاری خداوند متعال در مقابل دشمنان ما که از دین خداوند روی برگردانده‌اند، بر اساس تذکرات، استقامت کن و با خواست الهی دستورات ما را به آنان که از تو می‌پذیرند و گفتار ما موجب آرامش آنها می‌باشد، ابلاغ کن.

با این که بر اساس فرمان خداوند بزرگ و صلاح واقعی آنها ما و شیعیان مان تا زمانی که حکومت در اختیار ستمگران است، در نقطه‌ای دور و پنهان از دیده‌ها به سر می‌بریم؛ ولی از تمام حوادث و ماجراهایی که بر شما می‌گذرد کاملاً مطلع هستیم و هیچ چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست. از خطاها و گناهانی که بندگان صالح خداوند از آنها دوری می‌کردند ولی اکثر شما مرتکب شدید باخبریم.(8)

دیدگاه شیخ مفید در رابطه با ولایت و سرپرستی امت شیعه

از نظر شیخ مفید، فردی شایستگی ولایت و سرپرستی امت شیعه را دارد که از دو ویژگی زیر برخوردار باشد:

1. علم به احکام الهی شامل مدیریت، بینش سیاسی و اجتماعی و فقهت. «وی باید اهل حق، عادل، عاقل و دارای فضل و رأی باشد.»
2. توانایی انجام امور محوّه مردم

در این زمینه، شیخ مفید برای حفظ نظام اسلامی و اجرای قوانین الهی، وجود حاکم و حکومت از سوی خدا را ضروری می‌داند. او بر این نکته تأکید دارد که در زمان غیبت امام معصوم(ع) در ظاهر، باید افرادی که به احکام و قواعد دین آشنایی دارند، این وظیفه را بر عهده بگیرند و به جز ویژگی‌های خاص امام، از جمله «عصمت»، سایر ویژگی‌های رهبر سیاسی جامعه را داشته باشند. وی می‌نویسد: در نبود سلطان عادل در اموری که ذکر گردید، اجرای آنها بر عهده فقهای شیعه است که عادل، عاقل، کاردان و اهل فضل و دانش باشند.

از دیدگاه شیخ مفید، هر گاه هر یک از فقهای شیعه امکان تنفیذ و اجرای احکام حدود، قصاص و امر به معروف و نهی از منکر را در خود یافت، به عنوان تکلیف و وظیفه الهی و دینی، باید بدان عمل کند. البته این امر به تأمین امنیت و آسودگی خیال بستگی دارد و هر گاه کسی از فقهای عادل که این مسئولیت را به عهده گرفته است اطاعت نکند و به حاکمان جور توجه نماید و به فرمان آنان تن در دهد، مرتکب گناه شده است.

وی می‌نویسد: اما اجرای حدود، بر عهده سلطان اسلام است که از جانب خدای متعال نصب شده و آنان عبارتند از: امامان هدایت از آل محمد علیهم‌السلام و کسانی از فقهای شیعه که آنان به امارت نصب کرده‌اند و این ولایت را به آنان تفویض نموده‌اند. پس هر کس – در صورت نبود حکومت عدل – می‌تواند حدود را بر اولاد و نزدیکانش اقامه کند و از سلطان ظالم نترسد و همچنین اگر بتواند دامنه کار را گسترش دهد و بر قبیله و مردم شهرش اجرا کند، سپس می‌تواند دست دزد را قطع کند و بر زناکار حد جاری نماید.(9)

حاصل آنکه ساختار اندیشه سیاسی شیعه در عصر غیبت، نظامی ولایی است که با تصدّی ولایت و حکومت به وسیله فقیه عادل، کارشناس و متعهد سامان می‌گیرد. همچنین باید کسی هدایت و سکان‌داری جامعه را بر عهده گیرد که علاوه بر مشروعیت، جایگاه مردمی نیز داشته باشد.

پاسخگویی به شبهات توسط شیخ

در روایات مأثوره از ائمه معصومین(ع)، از عالمان متعهد به مرزبان و نگهبان اسلام یاد شده است. شیخ مفید را می‌توان از جمله این مرزبانان معرفی کرد. وی در جایگاه پیشوای شیعیان، همچون سربازی فداکار دست به کار شد و شبهات عقیدتی و فقهی مخالفان را با گفتار و نوشتار خود پاسخ گفت. از باب نمونه: با نگاشتن اوائل المقالات، استقلال مکتب کلامی شیعه را به اثبات رساند و با نگاشتن الفصول العشره و چندین رساله دیگر، به شبهات و اشکالات مخالفین درباره فلسفه غیبت امام زمان(عج) پاسخ داد.

درباره جنگ جمل، که در آن زمان مسأله روز بود و صحبت های زیادی درباره آن می‌شد، کتاب مبسوطی نوشت، دیدگاه های گوناگون را تحلیل و بررسی کرد و عقیده شیعه را در درستی اقدام حضرت امیر(ع) نشان داد.

شیخ مفید، با تبخّر و تسلطی که بر مذاهب اسلامی داشت، با فرقه های گوناگون به بحث و مناظره نشست و بسیاری از گفته های آنان را نقد و رساله هایی چند در ردّ و تحلیل آثار و افکار گروه وسیعی از مخالفان نگاشت. حدود بیست رساله در ردّ بر عالمان معتزلی و رساله های دیگری نیز در ردّ بر اشاعره و دیگر فرق اسلامی نوشت.

او که مورد تحسین و ستایش بزرگان اهل تسنن از قبیل، ابن حجر عسقلانی، ابن عماد حنبلی، شافعی و دیگران بود گفته شده که لقب(مفید) را علی بن عیسی معتزلی در عهد جوانی و در نتیجه مناظره با وی به او داده است.

شیخ در مناظرات از تبحر و زبان شیرین برخوردار بود. از خطیب بغدادی که هم عصر شیخ مفید بوده است نقل شده که گفته او اگر می‌خواست، می‌توانست ثابت کند که ستون چوبی از طلاست.

داستان مناظره ای که شیخ مفید با قاضی عبدالجبار معتزلی(از اعظام علمای عمّه در علم اصول و کلام) داشته، نمونه ای از این مناظرات است:

به نقل از کتاب «مصابح القلوب» و «سرائر» ابن ادریس حلی، روزی قاضی عبد الجبار معتزلی در مجلس درس نشسته بود و دانشمندان هردو فرقه(شیعه و سنی) نیز حاضر بودند؛ شیخ مفید که آن موقع مجتهدی شیعه و قاضی نام وی را شنیده، ولی تا آن روز او را ندیده بود، به مجلس وی درآمد و در صف نعال نشست؛ پس از لحظه‌ای رو به قاضی کرد و گفت: اگر اجازه می‌دهید سؤال دارم و می‌خواهم در حضور علمای ملت بپرسم! قاضی گفت: بگو، شیخ مفید گفت: حدیث «من کنت مولاة فعلىّ مولاة؛ هر کس من آقای اویم، علی هم آقای اوست» که طایفه شیعه روایت می‌کنند، مسلم است که پیغمبر فرموده، یا ساخته شیعیان است؟ قاضی گفت: البته خبر صحیح است.

گفت: منظور از «مولی» چیست؟ قاضی گفت: مقصود، آقائی و ریاست بر مسلمین است.

شیخ مفید گفت: اگر چنین است، پس این همه اختلافات و دشمنی‌ها میان شیعه و سنی برای چیست؟ (زیرا به گفته شما، پس از پیغمبر، علی آقا و رئیس مسلمانان بوده است) قاضی گفت: ای برادر! این حدیث، روایت و خلافت ابوبکر، درایت و امری مسلم می‌باشد و مردم عاقل به خاطر روایتی، ترک درایت نمی‌کنند!

شیخ مفید گفت: بسیار خوب، چه می‌فرمائید در این روایت که پیغمبر(ص) به علی(ع) فرمود: «حربک حربی و سلمک سلمی؛ جنگ تو، جنگ با من و صلح تو، صلح من است»؟ قاضی گفت: این نیز از پیغمبر است و صحیح. شیخ مفید گفت: بنابراین، اصحاب جمل(که با امیر مؤمنان جنگ کردند) به فرموده شما کافرند؟ قاضی گفت: ای برادر! آنها توبه کردند.

شیخ مفید گفت: آنها القاضی! جنگ جمل، درایت است و توبه آنها روایت است. خودتان لحظه‌ای پیش در جواب من، راجع به حدیث «غدير» فرمودید که مردم عاقل، درایت و امر مسلمی را به خاطر روایتی ترک نمی‌کنند! از این سخن، قاضی در جواب فروماند و سخت متحیر گردید.

مدتی سر به زیر افکند، آن گاه سر برداشت و گفت: تو کیستی؟! شیخ مفید گفت: من خادم شما، محمد بن محمد بن نعمان. قاضی برخاست و دست مفید را گرفت و بر جای خود نشاند و گفت: «أنت المفید حقاً؛ حقا که تو مفید هستی» علمای مجلس از عمل قاضی سخت برآشفتمند و همه در میانشان افتاد؛ قاضی رو به آنها کرد و گفت: ای فضلا و علمای دین! این مرد مرا ملزم و محکوم کرد؛ من پاسخی ندارم که به او بدهم، اگر شما جوابی دارید، بگوئید تا برخیزد و به جای خود بنشیند؟! ولی هیچ‌کس نتوانست پاسخ او را بدهد. (10)

شیخ مفید از نگاه بزرگان

شیخ مفید از دیدگاه اندیشمندان اسلامی شیعه و اهل سنت، فردی زاهد و عالمی است که همه عمر خود را در راه روشن سازی احکام و آموزه های اسلامی خرج کرده است. بنابراین ابن حجر عسقلانی از علمای اهل سنت درباره ایشان چنین می گوید که: او بسیار عابد، زاهد و اهل خشوع و تهجد بود و مداومت بر علم و دانش داشت. جماعت بسیاری از محضر او بهره بردند. او بر همه شیعیان حق دارد. (11)

علامه حلی نیز این گونه می نویسد: «محمد بن محمد بن نعمان مکتی به ابو عبدالله و ملقب به مفید است. مفید معروف به ابن المعلم بود و از بزرگترین مشایخ شیعه و رئیس و استاد آنهاست. کلیه دانشمندان ما که بعد از وی آمده‌اند، از دانش او استفاده نموده‌اند. فضل و دانش او در فقه و کلام و حدیث مشهورتر از آن است که به وصف آید. او موثق ترین و داناترین علمای عصر خود بود. ریاست علمی و دینی طایفه شیعه امامیه در زمان او به وی منتهی گشت.

شیخ عبدالله یافعی یکی دیگر از دانشمندان اهل سنت، در "مرآت الجنان" ضمن وقایع سال 413 و دانشمندی که در آن سال درگذشته اند می نویسد: "در این سال وفات یافت دانشمند شیعه و پیشوای رافضه صاحب تصانیف بسیار، رئیس آنها معروف به "مفید و ابن المعلم" وی در کلام و فقه و جدل استاد فرزانه بود. او در دولت "آل بویه" با طرفداران هر مسلک و عقیده ای با جلالت و عظمت مناظره می کرد. «در آن سال بود که عالم بزرگ شیعه وفات نمود. او صاحب تألیفات فراوان و شیخ بزرگ امامیه، معروف به «مفید» و «ابن المعلم» بود. او در علم کلام، فقه و جدل تبخّر داشت و در مناظرات با هر صاحب عقیده شرکت می جست و در تشکیلات آل بویه با جلالت و احترام زندگی می کرد.»

شاگردان شیخ مفید

از جمله شاگردان برجسته شیخ مفید می توان به ابوالقاسم علی بن حسین بن موسی(سید مرتضی علم الهدی)، ابوالحسن محمد بن الحسین بن موسی(سید رضی)، محمد بن حسن طوسی(شیخ طوسی)، ابوالعباس احمد بن علی(نجاشی)، محمد بن علی بن عثمان(ابوالفتح کراجکی) و محمد بن حسن بن حمزه(ابویعلی جعفری) اشاره کرد. (12)

اساتید شیخ مفید

شیخ مفید در آثار خود از بیش از 70 نفر از اساتید خود روایت می کند، برخی از اساتید بزرگ او عبارتند از:

1. احمد بن محمد بن حسن بن ولید قمی ابوالحسن، (در امالی مفید، ص 10)
2. احمد بن محمد بن محمد بن سلیمان زراری ابوغالب. (در رجال نجاشی، رقم 201، امالی مفید، ص 20 و....)
3. جعفر بن محمد بن قولویه ابوالقاسم، فقیه محدث. (در رجال نجاشی، ص 318، امالی مفید، ص 9)
4. حسن بن محمد بن یحیی، شریف ابومحمد (در امالی شیخ، جزء 5، ج 1، ص 136) مفید فراوان از وی روایت می کند.
5. حسین بن علی بن ابراهیم بصری معروف به جُعَل ابوعبدالله، متکلم فقیه معتزلی. (در سرائر، ج 3، ص 648)
6. حسن بن حمزة بن علی بن عبدالله علوی حسینی طبری ابومحمد شریف، زاهد صالح (در رجال نجاشی، رقم 150، امالی مفید، ص 8)
7. ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق. (13)

تألیفات

تالیفات مفید، هم از نظر مقدار و کمیت دارای اهمیت است و هم از نظر کیفیت. آثار وی، در عین عمق و پرباری و اتقان، مختصر است. از عبارت پردازی و تکرار واژه ها و جملات به دور است. معانی بلند و عمیق را در عبارتی کوتاه بیان کرده است؛ مگر در مواردی که مطلب پیچیدگی خاصی داشته و احتیاج به توضیح و تفسیر داشته است.

شیخ مفید حدود 200 عنوان جلد کتاب تالیف نموده که از جمله آنها المقنعه، الفرائض الشرعیه، احکام النساء، الکلام فی دلائل القرآن، وجوه اعجاز القرآن، النصر فی فضل القرآن، اوائل المقالات، نقض فضیله المعتزله، الافصاح و الايضاح است. (14)

وفات

شیخ مفید در سال 413 هجری، در بغداد و پس از 75 سال تلاش و خدمات ارزنده درگذشت و مورد تجلیل فراوان مردم و قدردانی علما و

فضلا قرار گرفت.

شیخ طوسی، که خود در تشییع جنازه او حضور داشته است، می‌گوید: روز وفات او از کثرت دوست و دشمن برای ادای نماز و گریستن بر او، همانند و نظیر نداشته است. هشتاد هزار تن از شیعیان او را تشییع کردند و سید مرتضی علم الهدی بر او نماز گزارد و در حرم مطهر امام جواد(ع)، پایین پای آن حضرت، نزدیک قبر استادش ابن قولویه، مدفون شد.⁽¹⁾

با توجه به آنچه گفته شد، شیخ مفید کسی بود که مرز بندی مکتب اهل بیت(ع) را به عهده گرفت، این نابغه بزرگوار با شناسایی نیاز زمان و با تکیه بر دانش خود وارد یک میدان دشوار شد و کاری بی سابقه و حساس را آغاز کرد و به جد باید گفت که از پس آن برآمده و مدعی این حرف آن است که تاکنون کسی در فهم محتوای تشییع دچار چهل و گمراهی نشده و یا نمی توانسته بشود.

شیخ مفید و نوشته های او برای کسی که با نیتی پاک در طلب فراگیری فقه و کلام تشیع برآید، همچون آیینه ای شفاف بوده، که حقایق را بدون کمی و کاستی در اختیار مشتاقان قرار داده است. تألیفات ایشان همواره مرجعی بسیار ارزشمند برای جویندگان راه حقانیت خواهد بود.

احمد حیوری

9462/702/ر

منابع:

1. آشنایی با علوم اسلامی، ص 294
2. تاریخ بغداد، ج8، ص 449
3. امالی مفید، ص240
4. امالی مفید، ص302
5. امالی مفید، ص101
6. فهرست ابن ندیم، ص266و239، چاپ الاستقامه
7. احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص82 تا 109
8. احتجاج ج2، ص597....بحارالانوار، ج3، ص175
9. المقنعه، ص657 و ص810
10. برگرفته از مقاله (مناظرات شیخ مفید با علمای بزرگ عامه)
11. ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج 5، ص 368
12. مکتب اسلام، سال اول، شماره 3، مقاله دانشمند محترم علی دوانی
13. مقالات فارسی، کنگره ی جهانی هزاره ی شیخ مفید، ج55، مقاله ی سید محمدجواد شبیری، صفحات 10-20
14. رجال نجاشی، ص400 تا ص404